آقا مهدي بابت كارهاي خوبت از تو ممنونم

6 دی 1403

حسن لطفی: قاعده كار اين است وقتي مدير يا رييس جديدي وارد مجموعه‌اي مي‌شود پيام‌هاي تبريك و دسته گل‌هاي گران‌قيمت (براي مديران رده بالا) برايش ارسال مي‌شود و تلفن‌هايي به او مي‌زنند كه خلاصه‌اش اين است كه تو بهترين انتخابي و.... البته در دنياي سياست اين واكنش‌ها كمي متفاوت است.

مديري كه از گروه رقيب است خوب و هم حزبي و هم پيالگي بد نمي‌شود. از آن طرف وقت رفتن انگار يادمان مي‌آيد مديري كه رفته است چه بدي‌هايي داشته است و مراسم توديعي اگر برگزار مي‌شود خيلي‌ها زيرگوش هم از بدي‌هاي او مي‌گويند (در حالي كه گرداننده جلسه از او تعريف مي‌كند). البته در دنياي سياست انگار اين‌طور نيست. وقت رفتن هم مديري هم‌راي و هم نظر يا راحت بگويم هم حزبي نيست كه بد عمل كرده باشد (حتي اگر خلاف بزرگي مرتكب شده باشد و رفتنش با بركناري همراه باشد) در مورد تيم مخالف هم كه راي معلوم است. مرغ يك پا دارد و نظر همان نظر روز انتخاب يا انتصاب او است. البته اين قاعده استثنا هم دارد.

در قضاوت هميشه روي يك پاشنه نمي‌چرخد. گاهي آدم‌هايي پيدا مي‌شوند كه خلاف آن قاعده قضاوت مي‌كنند (حتي در عالم سياست) تبريك و تو خوبي گفتن‌هايشان مي‌ماند براي روزي كه طرف دارد مي‌رود.

گمانم درست هم همين باشد. خيلي‌ها هستند كه وقتي مي‌آيند خوب به نظر مي‌رسند اما وقت رفتن چنگي به دل نمي‌زنند. خلافش هم هست عده‌اي هستند كه زمان آمدن توي ذهنت فحش و بد و بيراه نثارشان مي‌كني اما وقت رفتن با خودت مي‌گويي كاش مي‌ماند و به كارهاي خوبش ادامه مي‌داد. اتفاقي كه شايد براي بعضي‌ها در مورد مهدي آذرپندار رخ داده است. بعضي‌ها كه خودم در ليست‌شان هستم. البته هيچ‌وقت به او فحش ندادم و بدوبيراه نگفتم. حتي وقتي درباره‌اش خواندم و جدال كلامي‌اش را با كيوان كثيريان شنيدم! بيشتر نگران شدم. چرا كه در طول زندگي‌ام دانسته بودم سينماي جوان مكان ارزشمندي است كه مديري لايق، همه‌سونگر، مهربان، جوان‌دل، حامي و آشنا با هنر و رفاقت مي‌خواهد.

راستش در زمان ورود مهدي آذرپندار فكر مي‌كردم انتخاب بدي است. اما حالا كه سكانداري را به كس ديگري واگذار كرده يا بهتر بگويم سكان سينماي جوان را از او گرفته‌اند خوشحالم كه اشتباه مي‌كردم. چرا كه اگر نگراني‌ام درست بود مجموعه‌اي با وسعت چند هزار نفري سينماي جوان دوران خيلي بدي را پشت سر مي‌گذاشت و.... البته در اينكه مهدي آذرپندار مخالفاني داشته و دارد (باشرف‌هاش و شجاعان در زمان تصدي او اظهارنظر كردن و ابن‌الوقت‌ها لابد از زماني كه حكم بهروز شعيبي را براي رياست سينماي جوان زده‌اند يادشان افتاده او چه ضعف‌هايي داشته و...) هم شكي نيست.

درست هم همين است. هيچ مدير و رييسي كامل نيست. نقد هم اگر حب و بغض نداشته باشد در سرپا كردن و بهبود دوران مديريتش كمك مي‌كند. به گمانم مهدي آذرپندار در كنار محاسن زيادش (حمايت از

جريـان فيلـم كوتـاه، دنبـال كـردن خواسـته‌هاي غيـر سياسـي فيلمسـازان، تلاش بـراي ارتقـای جايگـاه فيلمسازان فيلم كوتاه، مدارا با مخالفان ديدگاهش و...) به شنيدن صداي مخالفانش توجه مي‌كرد (حداقل در ظاهر)،

به خاطر همين‌ها دوست دارم به عنوان كسي كه سينماي جوان هميشه خانه دومش بوده، بگويم آقا مهدي بابت كارهاي خوبت از تو ممنونم.